

بنارت برده بود از خزانه پادشاه بابل تاریخ بیرون آورده و بایان تسلیم نمود سایر در عروضا و اسرای ایران از تقدیمی های و طار کران بهای از برای اورشلیم فرستادند و واقع يك (اسكوت) هزار نفری از سوار های دلیر ایرانی با اتفاق آن عده مهاجر رانه بطرف یهودیه رهسپار و مامور اجراء فرمان سروس گردیدند

این قبلی خرافات از متمولین و انصراف آنها از يك حقوق غیر مشروع را ماقصود از اثر جریت و کلبه آزادی خرافه و و مان پرست شاهزاده سلیمان میرزا میدانیم که در نتیجه جدیتهای خشکی ابدی وطن خواهانه خود بیک نتیجه خوبی و از اینکه چیزی هم باشد موافقی يك مثل فارسی - که سر حق سنگین است - انگل گردیدند امبدواریم که بایان اقدامات وطن خواهانه خود از قبیل واگذاری حقوق زمان مرخصی و آلا که مرخصی میگردند (و شاهزاده متعلم له در هر موقعی از اولگاکوشزد می نمایند که فلان آقا که اجازه مرخصی میخواهد اگر حقوق زمان مرخصی خود را بکلیخانه مجلس می بخشد موافقم والا رای نخواهم داد) موافقت حاصل نمایند

آزادبخشیه پارلمان انتظار داریم که با این طرز نرم قانون انتخابات مخالفت نموده و قریب و هیچ قر و بهار ساگر فعلا لازم به قریب باشد برای قانون انتخابات پیش بینی نمایند

و مستقیما در جنایات امور کشور خود دخالت نموده و بیک عزم خشکی نابذیر برای ترقی و نمالی این مملکت کوشش نمایند

ما در مقابل از احساسات ملت دوستی آقایی که نسبت به خدمت گذاران واقعی ملت ابراز میدارند تشکرات قلبی خود را تقدیم و از عموم آقایی که با آن شرف و مسرت مخصوصی تا مهربانان تشریف فرما شدند تشکر کرده دوام و بقای ایشانرا از خداوند خواستیم

مطبوعات خارجه

قدیمیهای سریع در فلسطین ژان روزن بلات لایحه در تحت عنوان فوق بقرنها بسود (کمیته اطانه فلسطین) نوشته و در آن شرح مبسوطی راجع به هلوزیم نیز اظهار داشته تذکار مینماید که زقدگانی جدید خود را نطقی و این جمعیت اوقات عمر را تولد تازه دانسته و عنکابیکه آغوش با محبت برداران خود را برای پذیرائی و مساعدت کشاده میبندد این مسئله نهایت سرسراب است و قدر دانی آنها میفرزاید بعضی از آنها وقتیکه وارد فلسطین میکردند بسیار فقیر حقیقی فلسی در بساط قدرند قرنها بود از هیچ گونه مساعدت پولی درحق ایشان فروگذار نمیشد گروهی غریبوی کهند نه کسی است که آنها را ماوا می دهد و نه دوستی که از ایشان پذیرائی کنند فقط کسی که دامن همت بکمر زده دستهای کریم خویش را برای ایشان کشوده است همانا کمیته اطانه است قرنها که از هر جهت اسباب استی و آسایش ایشانرا از قبیل منزل و غذا حقیقی رسائی طیبی و صحی آنها را تأمین و تهیه مینمایند قرنها بوده که اشخاصی و وظف بقوسط کمیته اجراییه حیوانیت پیوسته مملکت را طواف زده جستجو میکنند که مناسب حال هر یک از ایشان شغلی تهیه نمایند و بوسیله همین اشخاص آنها را بکارهایی که

مقطوع بودن مذاکرات قجارتی مابین روسیه و ایران ادامه داشته و تاکنون تجدید نگردیده است ولی انتظار داریم که در تحت توجهات اعلیحضرت وجدیت هیئت دولت و موقع شناسی نمایندگان آزادبخشیه روسیه هرچه زودتر اختلاف موجوده فی مابین برطرف و مذاکرات تجدید و خاتمه پیدا کند

البته دو اینموقع نماینده محبوب و محترم آقای قلی زاده نیز برای رفع اختلاف کوشش نموده و راه حلی در اینموضوع بدست خواهند آورد

ورود والدین بطهران

روز بیستم ماه گذشته والدین و کسان مؤسس نامه هجیم بطهران ورود نمودند از برای اظهار قدر دانی نسبت بخدمات جناب موسوی حایم مؤسس نامه ما و حفظ احترام والدین ایشان عمده از محترمین و وجوه ملت نا مهربانان سابقه و جناب آقای میرزا عزیزالله برای رئیس انجمن ملتی و جناب آقای موسوی شام وکیل مشیر نایب رئیس تشکیلات سهولت و جناب آقای میرزا حبیبالله نوفر رئیس انجمن حریبه صون و اسراپلی و عددا از اعضاء محترم انجمن ملتی و افراد معزز دیگر با موزیک به مهربانان تشریف فرما شدند در آنجا کوفتهای محض میبخت ذبح و تبریک ورود گفته پس از دو ساعت توقف در مهربانان و صرف جائی و ناهار با نجملات مخصوص پشور وارد و در منزل جناب موسوی حایم ورود نمودند در آنجا نیز مراسم پذیرائی از مستقبلین بعمل آمده

خلاصه وقایع گذشته

از جریانات داخلی این چندروزه ورود اعیاضت شاه به پایتخت واستقبال شایانست که ازطرف تمام طبقات و صفوف مختلفه طهران از موبک جایوی به عمل آمد

آتش بازی رتزیب عمارات رسمی دولتی و طاق نصرتهایکه از طرف بندیه و حکومت و وزراتنها بسته شده بودند هر کدام بجای خود قابل توجه بودند

امبدواریم که اعلیحضرت ارمانهای نفیسی از مشاهدات ترقیات بحیرالمقول عالم غرب برای مملکت خود که نهایت علاقه به آبادی آن دارند آورده و در تحت توجهات مازکانه و سر پرستی طالبه شاهانه مملکت کهن سال و تاریخ ایران را با قدیمیهای سریع برطرف ترقی و تکامل سوق خواهند داد

ما برخلاف بعضی عقاید توجهات سلطان مملکت را در شرق مخصوصاً در ایران عامل بسیار قوی و نیرومندی در جریان امور مبدائیم و دلیل کسانی این عقیده ترقیات مملکت ژاپون میباشد که فقط دو اثر اقدامات مبادری متوفی آن مملکت در اندک مدتی میباشد که اگر قرقی و تکامل ژاپون در عصر و دوره طالبه بوده و برای همین نمیدیدیم این ترقی تکامل سریع را جزو معجزه و خارقالعاده دانسته و مراکه در صفحات تاریخ میخواندیم این روایت را حمل بر شاعکاری موهوم مینمودیم

اینست که ما عقیده کامل داریم که خورشیدی این مملکت همان روزی است که ناسجدار مشروطه پرست ما جدا

قانون انتخابات

اخیراً مثله تجدید نظر در قانون انتخابات در مجلس وضیعه گردن ماده واحدهای راجع به تجدید مدت انتخابات و اینکه اشخاصی را باید بوقت هر معالی انتخاب نمود که اقلاً پنج سال در آن محل اقامت نموده باشند (بقانون انتخابات قدیم بمان آمده که ما از نقطه نظر تکمیل و توسعه قانون انتخابات ایران باین مذاکرات و پیشنهاد محتالیم

البته در مملکتی که هنوز الانکاران آن در اقلیت و اغلب برای تحصیل علم و آزادی در مرکز و شهرهای بزرگ اقامت دارند این طرز ترمیم قانون انتخابات آنها را از اشتراک در مقدرات مملکت محروم و پارلمانرا که باید متدرجا مکان عناصر عالم و جوان وجدی و علاقه مند به مملکت کرد بواسطه ورود عناصر پوسیده و مهمل از اهمیت انداخته و رفته رفته نل (دومای) دولتی رویه پارلمانی که قبل از جنگ بین المللی و انقلاب داشتند خواه ساخت از جدیتهای عناصر فعال و وکلای

اگر وکیل محترم ما این مهربانی های سروس و سرداران رشید ایرانی قلمیم را نسبت بملت یهود تذکار میگرد اگر وقایع فراموش نشدنی تاریخ و مناسبات هم خطه دوستانه و سیمانه را که در بین دو ملت سیر قدیمی و برادر برقرار بوده است گوشزد

از عموم مینمونه اگر در حضور اعلیحضرت های پادشاه مثل آقای ارباب که حضور خطابه میخوانند من تصور نمیکند که دولت به

تخیل می افتاد تا قانونی از برای منع مهاجرت وضع نماید ! تکرار و تذکار این وقایع عمو شده و تجدید آنها در خطرات بعقیده ما دارای اثرات مفید و سود مند

بوده و متضمن امبدواری و تشویق نیز می باشد

اما افسوس ! زیرا وکیل محترم ما شرط کرده است که عکوشهای خود را از منظوریکه انبیا فرموده اند در مقابل ناله مظلومین به بندد و زبون خود را چیز و از برای نفع شخصی نچینانند

دارالشورای ملی

از مهم ترین مذاکرات جلسات گذشته بسوا پارلمان مسئله مستقریات و انصراف دولت به از نمایندگان یکی آقای سید ذرا عظم و دومی آقای سردار معتمدش از مستعمری خویش جبهه بوده ولی این انصراف فقط باین دو وکیل رهسپار منحصر گردیده و از سایر آقایان متمولین نیز نظیر آن دیده نشده این را هم باید تذکار نمایم که وقوع

داشتن خط او یا مناقصه شخصی بزرگی داشت و یا شریک جنایات استرهایزی بود که با ما موامانی داده

مقتضا خیانت کرده و پول برگرفتند و یا اینکه استرهایزی بیک سر مدعیان هانری واقف بود

غالباً میان این قبیل اشخاص واقف میشود که باینرا این تفاوت حقیقت معلوم و ظاهر کند

خیلی احتمال میرود که هانری در اثر حماقت و یا عدم پیش بینی خود ورقه ای را که با شوار تسکوین فروخته بوده به استرهایزی داده و بملاحظه

ایک اثر استرهایزی را بدست قانون تسلیم کند خودش هم بعنوان شریک جرم او مجازات میشود حقیقت را مقهور کرد

ورقه مصنوعی را که سبب و شصت هزار نسخه آن در سوش هزار ناحیه مملکت فرانسه به دیوارها چسبیده شده و از طرف مصوب (کابینک) در مابین خطابه پارلمان مضمون آن قرائت شده بود همین هانری اقرار نمود که او آن ورقه یعنی همان بوردر را که اینهمه دل و قوت در عالم اوجا کرده بود خودش ساخته و بفارت آلمان فرستاده است و دوخامه قضیه هم در مجلس (مون واله وپین) در نتیجه زخم مملکتی که از ضربت حنجر تیزی در کلویش بعمل آمده بود نیش منجر او یا مقولاً پیدا میشود

رول حقیقی هانری در قضیه درینوس از جواب این سؤال ظاهر میشود : در صورتیکه هانری خط بوردر را که در زمان غیبت او باطساق او آورده بودند شناخته بود چرا بمحل خود خبر

نداد که این بوردر از طرف (استرهایزی) نوشته شده است ؟

جواب سؤال فوق را فقط اینطور میتوان داد : هانری در مناسبات خود با استرهایزی و حتی

احتمال میرود که ابتدا هانری می خواست این بوردر را مثل یک کاغذ بی اهمیتی از بین ببرد شاید علت بطولت تحقیقات ابتدائی همین قضیه بوده است ولی همیشه مشاهده کرد

که در شیهه دوم از کاپیتان درینوس بشیهه افتاده راه کجی را پیش گرفتند هانری پیش از همه در تعقیب این را دعوت و فعالیت ابراز نمود و احتمال کالی دارد در این مسئله عرضی هانری با اتفاق روایتی در کلام کوشش میکنند

هانری بعنوان وکیل هیئت ارکان حرب (که درینوس را بمجلس شرمیندی فرستاده بود) به محاکمات نظامی رفته بود یا اینکه بیشتر از همه کسی به بیگناهی درینوس واقف بود و میخواست بعضی

اظهارات مؤثری در آنجا بنماید سهل است که راجع به عدم تقصیر متهم چیزی نگفت بلکه در موضوع این مسئله برای ایصال کردن حقیقت از هیچ چیزی خودداری نکرده باین هم اکتفا نموده عین همین بدی را که در باره درینوس نزد درحق کالی

(پیکار) هم بعمل آورده نهایت الامر موضوع

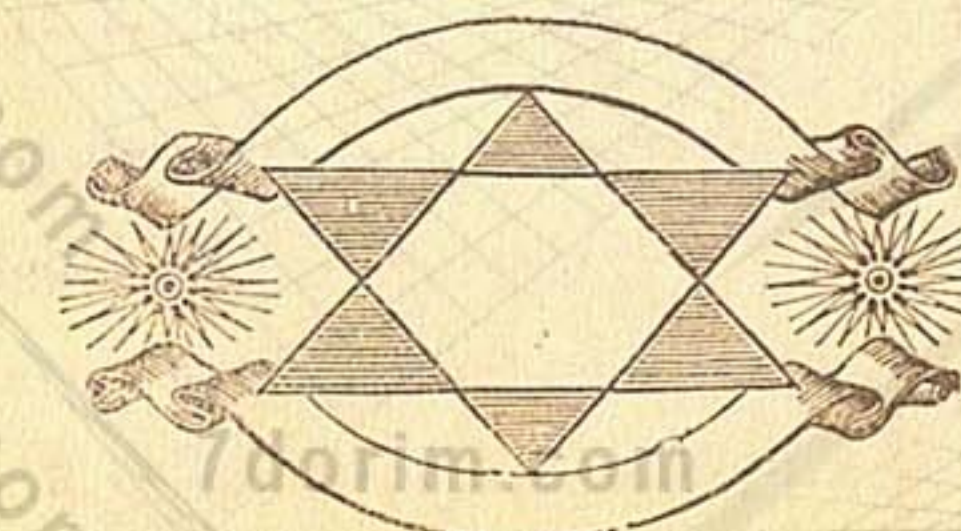
۵ - هانری استرهایزی را از خیلی وقت بابتطرف حتی احتمال قوی میرفت که از زمان طفولیتش شناخته و طبعاً خط او را بخوبی می دانست

۶ - هانری در سال ۱۸۹۴ به استر - هانری مقروض بوده است در صورتیکه استرهایزی غیر از هانری از کسی دیگر طلب نداشته بلکه به

۳ - در موقعیکه بوردری استرهایزی را که به آنجه نظامی سفارت آلمان فرستاده بود بشیهه دوم آورده و از طرف کاپیتان (لوت)

۴ - در موقعیکه هانری بیاریس مراجعت کرده و سر شغل خود آمد یکی از نسخه های بوردر را دیده فهمید که این خط استرهایزی

از است و نیز دانست که این بوردر را چه کسی بسفارت آلمان فرستاده است ولی گله ای در این خصوص بکسی نگذشت !



باید مشغول شوند انتقال بدهند - اسباب و آلات کار ایشان را هم کمی اعانه تهیه مینماید مستر رزن بلات شرحی ملی بر مراتب حالات کوچ نشینان و دهاقین جدید فلسطین اظهار کرده و راجع به ماهاول (یکی از قراء فلسطین چند فرسخی لاصره) که خود او شخصاً رفته بود چنین ماذکر میگردد که چون در قریه داخل چادری شدیم بعضی از کارگران و دهاقین گرد ما جمع آمدند و با دوستی که همراه من شاید بزرگترین عالم عصر یهود بود بنای میخانه و کفکوکو را گذاشتند - مقصود اصلی ایشان این بود زمینی که در آن مشغول کشت زرع بودند برفیق احادیث تورا یکی از مصرفات طایفه زبولون است (چون بعضی از ایشان معتقد بودند که بطایفه اقصائی تعلق داشته) بلاخره یکی از دهاقین برای اثبات این مدعا تورا را حاضر و پس از آنکه حدود آنجا را مطابق آن مینمود ثابت کرد که خاکی که در آن بل بزدند یکی از مستعینات طایفه زبولون میباشد این واقعه یکی از صاحبان بزرگ بریطانیا را بهادم آورد - این شخص پیوسته بانظر بهت و تعجبی بدعاقتن یهود نگریده موقعی بمن گفت - منتهی دهقان را بخوبی درک مینمایم - در مصر و انگلستان هم دهقان دیدم کسانی میباشند که فقط شغلشان زراعت و بل زدن است محیط ایشان بسیار مختصر و در داقره خیلی کوچکی زندگانی مینمایند - اما دهقان یهودی که از فلسطین یارویا میباید روستائی است بسیار عالم بچهار زبان مختلف آشنا بوده و دم از زلفه میزند ! این قسم دهقانرا نمیتوانم یکی تشبیه نمایم !

سبس مستر رزن بلات شرحی مبنی بر اوضاع مدارس فلسطین اظهار نموده تذکار مینماید که (۱۴۰) یکصدوچهل باب مدرسه در فلسطین تاسیس و در تحت تعلیم (۵۰۰) نفر معلم اداره میشود عده شاگردان مجاوز از (۱۳۰۰۰) سبزه هزار نفر یا بیش از ۸۰ در صد از کباب اطفال است که سن ایشان متغی تحصیل میباشد در این مدارس زبانی که اسما زبان تعلیم و تکلم میشود زبان مادری یهود (عبری) و بودجه این مدارس هم بعهده قرن هایسود میباشد

خود را زیر بار (قرن هایسود) برده دین خویش را قسبت بفلطین ادا نمائند ترجمه عزیزالله سواهری

رمانی

تاج گذاری پادشاه رومانی

در موقع تاج گذاری پادشاه رومانی یهود آن سر زمین نیز دعوت شده اند که در این عید سهام شریک باشند و این دعوت نه از نقطه نظر اقلیت ملی بوده است بلکه یهود هم سمت یکی از مذاهب رسمی که دولت بر سهبت اعتراف کرده است دعوت گردید و بهمین جهت (دکتر زپرودر) خام باشی بوکارت در کابینه دوش بدوش کپش (کرواوار دین) نشسته است و پادشاه در نطقی که ایراد کرده این قلمه را اظهار داشته است من طالبم که در داخله حدود رومانی کپش جمیع فرزندان لایق وطن بدون فرق نژاد و مذهب از حقوقی که برای عموم اهالی رومانی منظور شده استفاده نموده و باین وسیله با تمام قوای خود متحداً از برای سعادت مملکتی که بواسطه اواده الهی با ما در انجام زندگانی میکنند کوشش کنند

نطق وزیر معارف رومانی

در موقعیکه اولین سنگ مدرسه یهود (بتستی) را کارگذاره اند میگوید انقشکو وزیر علوم نطق ذیل را ایراد کرده است - وقتیکه حکومت خیر بنای مدرسه را بمن اطلاع داد و حضور مرا در موقع کار گذاشتن او این سنگ مدرسه لازم دانست من با نهایت مسرت این دعوت را قبول کردم - زیرا یهود رومانی نسبت بملاکت و مقام سلطنت در هر موقع اطمینان همه قسم فداکاری نموده اند و من یوون پرستی صادقانه و صمیمانه آنها کاملاً معتقدم چون اسرائیلها همانطوریکه در سنه ۱۸۷۷ وظیفه خود را انجام دادند همانطور هم در سنوات ۱۹۱۸-۱۹۱۶ از ایقای وظیفه مضایقه نموده شان بشاید با برادران رومانی خود داخل جنگ شده سبکی جنگ را با آنها قسمت کرده و از فتوحات قطعی هم خود را سر براندودند من يك دلیلی دیگری نیز از برای اثبات علاقه مندی یهود نسبت باین مملکت در دست دارم: در موقع جنگ وقتی که من وزیر مختار امریکا بودم پذیرائی شایانی از

طرف هشادم از یهودی رومانی که در آنجا مقیم می باشند مشاهده کردم - آنها مطبوعات و وسائل مذهب خود را با خیار من گذارده و از هیچ قسم فداکاری در راه پروپا فاند های نافع از برای مملکت ما مضایقه نکردند - تمام مدت جنگ عمومی یهودی های رومانی از هر طرف برفع مملکت رومانی میاوزه نمودند - من که شامد قضا یا بودم و فداکاریهای آنها را برای العین مشاهده کرده بودم در راپرتی که بدولت مطبوعه خویش نوشتم این قسمت را بطور برجسته ذکر کردم -

اقابن امروز در مملکت ما و بین ما فرق ملتی و نژادی وجود ندارد همه ما رو من هستیم و اما آنچه مربوط بمذهب است از يك نقطه بین ماجدائی میندازد - او است که ما مسیحی بوده و شما اسرائیلی هستید

ولی در عین حال همه رومن هستیم و اینکه حقوق (سپتورایان) موطن را در مورد یهودی قائل شده اند به نظر من خیلی منطقی و بجاست و من از دهر زمانی باین مسئله علاقه مند بوده ام بمضادق اینکه (در مقابل زحمت مساوی بایستی حقوق مساوی عطاء شود) و از همین نقطه نظر است که به حضور در این جشن علاقه مند بودم -

من برطن پرستی یهود کامل اعتماد داشته و بشما که وطن پرستان خوبی هستید خطاب میدنم که بایستی با اهالی و ساکنین ایالاتی که سابقاً از ما کفر کرده بودند و اکنون ببا مسترد گشته حالی کنید که آنها دیگر مجارستانی او کرانی رومانی نبوده بلکه اتباع رومانی هستند - ایشانرا تشویق کنید که آنها نیز همان احساسات وفا داری را که شما از برای عظمت رومانی بزرگ در سینه میپرورانید ابراز و وطن را واحد و عادل از برای همه بدانند -

ما خوشوقتیم از اینکه برادران ما در هر مملکتی هستند بواسطه فداکاری و صمیمیت خود و خدمت بمملکت اسباب افتخار و سر بلندی ملت یهود را فراهم میزنند و از آن ملل قدر دان و متمدنی که زحمت آنها را تقدیر کرده و نسبت با آنها بطور مساوات و برادری رفتار میکنند نیز تشکر میکنیم

بمشترکین عظام

آقایان محترم روزنامه عبارت است از کاغذ و حق طبع و خون دل و نور چشم و تاجر کاغذ را بما بجائی نمیدهد و طبعه هم از حق طبع صرف نظر نمی نماید - باقیمت خون دل و نور چشم را بشما می بخشیم شما هم مرحمت فرموده فقط قیمت کاغذ و حق طبع را که عبارت از سالی چهار تومان است بدهید و تحصیل دارنارا باین هوای مرطوب و گل زیاد زحمت ندهید تا بشما دهنده چهار تومان در سال از روزگار صد دینار کمتر است و از برای اشخاص شرافت مند شایسته نیست که از پرداخت وجه فاقبلی که بمصرف سعادت او میرسد ظفرم برود همین طوری هم از مشترکین ولایات قننا داریم که زودتر وجوه آموغان خود را بفرستند

ترجمه علی سادقی

ساروتیه عشق

پول مثل مظلونیکه در مقابل مستنطق میباشد بایک وضع مبهوت جواب داد: - اشتیاج میکنید مادام پس اجازه بدهید حالا که مذاکرات نا اینجاها کشید ثابت نکنم که منم لاهوت آنها دارم افکار بدی را که در دل شما نسبت بمن تولید کرده است تغییر دهم - شما خوشگنید مادام ا بلاوه جادیه دار هم هستید ولی اگر این اقواره که از طرف یکسفر نقاشی ایراد میشود شمارا متعجب هم نماید - - - باز هم فکر و طبیعتی که در نتیجه تربیت ابتدائی من بایک حالت خشنی بزرگ شده ام مرا وادار میکنید زنی را که مال کس دیگری است و او اینکه در هر اوصاف معزاز باشد او را مقدس فرض کنم -

دیروز جمله ای را که (مرا قدری دوست دارید من شمارا بیشتر دوست خواهم داشت) میگوینم من باب اظهار اخلاص و دوستی صافی بود و در این موضوع میتوانم قسم یاد نمایم که غیاز اظهار دوستی مقصود دیگری نداشتم - مادام ا آیا میخواهید دلیل دیگری بیاورم برای اثبات اینکه روز اول ملاقاتمان در دل من نسبت بشما غیاز احساسات يك چیز دیگری تولید نشده همان طوریکه امروز حرف راست منم از روزهم حرفهای من ساده و درست بود

اینک مادام ا علنا اظهار میکنم که اگر شما آزاد هم بودید باز هم غیاز این احساساتی که برای شما شوح دادم فکر دیگری در باره شما در دلم تولید نمیشد - - - زیرا که - - -

پول مثل اینکه میخواست این اظهار معذرت را قدری خوش آیند و آموود کند حرف خود را ناقص گذاشت -

ماریان با کمال اضطراب گفت: - حرفتان را تمام کنید آقای من ا زود بگوئید که شما نمیتوانستید مرا دوست بدانید زیرا که عجبونه دیگری داوید و او را دوست میدانید آیا چنین نیست؟

آزی مادام ا خوب حدس زده اید - محبوبه ام را پیش از چنان خود دوست دارم -

گرچه ماریان پس از حرفهای اخیر میخواست بایک تبسم استهزاء آمیزی با (پول) مقابله نماید ولی بملاحظه اینکه اگر بیشتر از این در مطالعه فوق مداومت میکرد ثابت میشد که از حرفهای نقلی در موضوع داشتن محبوبه دیگری هنوز در شبیه بوده و بنابراین قضیه عزت نفس که به پول منصف ساخته بود بخود او باید میشد یکدفعه برق تبسم از سیمایش برطرف گردید جای آنرا سرخی که دلیل بر انقلاب درونی میباشد استهلا نمود - آنکه با صدای ضعیف حرفهای ذیل از دهانش جاری شد: -

بسیار خوب آقای من ا بدیهی است که - - - نظر به بیانات شما - - - من - - - محبت - - - عشق - - - دوستی - - - در این اثنا صدای زنگ در کجا شدت کشیده میشد ماریان را از این موقعیت سخت خلاص نموده و بمحض استماع آن چنین گفت: -

بظنرم اینکه در را میزند شوهرم میباشد -

پول جواب داد: -

الان بزودی در رباب میکنم - پول واقعا با قدمهای بلند طرف در رفته ماریان پس از اینکه بقدر يك نایبه در میان تفکرات خود تنها ماند ژوستین دوان دوان داخل اطاق شده ماریان بطرف او رفته بایک صدای غشینیکی با او چنین گفت: -

آبا میدانید که او کس دیگری را دوست میدارد؟ آزی محبوبه دیگری داشته و میخواهد با او ازدواج نماید؛ ژوستین در جواب او گفت: -

عجب آیا این احتمال چیزی تو را به توتوش انداخته است؟ مگر میخواهی بواسطه این قضیه خود را مغلوب دانسته از اقدامات خود صرف نظر نمایی؟

ماریان - - - من صرف نظر کنم خدا بندگانهاها!

از خنده بلندی که ماریان پس از این اظهارات نمود معلوم بود که او بصرف نظر کردن از تقاش مایل نبود -

باب چهارم

کمان میکنم تا فدا ازهای مسبو رایبوند را شناخته اید - این آدم مابین پنجاه و پنجاه و پنج سال و آموود کرده خیلی تو موند و طاق بوده ردینکوت سینه ای که زمستان و تابستان تبدیل تمیشت نقش پوشیده گراوات سفیدی زده و يك شاپوی حاشیه زنی سرش میگذاشت -

بعضی کذاوشات ایام جوانی او خیلی موجب غرورش شده بود منجمله در موقعیکه در پولور (من مارتر) که آنها را یکی از محلهای تفرج خوب برای خود انتخاب کرده بود - مشغول قدم زدن بوده مثل کشیشی که سر قسم اولی خود ایستاده و از یاریس قصد رفتن رم را داشته باشد سه قدم جلو - دو قدم عقب برداشته - و در رفتن میبود -